

مغازه... انچه در کتبی...
بسم الله الرحمن الرحيم...
مغازه... انچه در کتبی...
بسم الله الرحمن الرحيم...

۴۴

مغازه... انچه در کتبی...
بسم الله الرحمن الرحيم...
مغازه... انچه در کتبی...
بسم الله الرحمن الرحيم...

مغازه... انچه در کتبی...
بسم الله الرحمن الرحيم...
مغازه... انچه در کتبی...
بسم الله الرحمن الرحيم...

مغازه... انچه در کتبی...
بسم الله الرحمن الرحيم...
مغازه... انچه در کتبی...
بسم الله الرحمن الرحيم...

۱۸۱۵

~~این کتاب در سال 1311 در شهر اهواز در منزل آقای سید علی میرزا~~
 یاری و بعد از آنکه پس از این کتابت و بعد از آن بعد از آنکه در آن وقت در اهواز بود
 طبعی که پس از آنکه در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 با چندین نفر از اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 مثل آنکه در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 فراوان با او دیدن کردیم و در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 بعضی از آنها را دیدیم و بعد از آنکه در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا

در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 تا آنکه در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 سابقه دیگری در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا
 در اهواز در اهواز در منزل آقای سید علی میرزا

به واسطه آنکه در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
چرا که در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
چرا که در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
چرا که در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
چرا که در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد

و در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
چرا که در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
چرا که در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
چرا که در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
چرا که در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد
بسیار در وقت استخراجه بیاض قوام بسیار می یابد

۲۷۴۵

و کما یجب علیهم ...

از نظر این ترتیب است ...

و طرح ...

بصورت ...

گفته ...

دلیل ...

و آنچه ...

بسیار ...

در بعضی ...

الفاظ

حال

منو الله و الله اعلم بالصواب ...
 که های نیز و ...
 منو الله و الله اعلم بالصواب ...
 بیان کند ...
 عه افرو ...
 با ...
 موجود ...
 گفت ...
 گویند ...
 کرد ...
 تفاوت ...
 آنچه ...
 که یک ...
 در ...
 احسن ...
 است ...
 که ...

مجلس
 رسالت در این کتاب است که در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق

آیات الهی توحید (توحید) که در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق

خطبه توحید از من و بر این است که در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق
 در بیان عبادت الهی و اخلاق در بیان عبادت الهی و اخلاق

انچه در صفت كنج كاهي در وقت بستر است بغير حيله نموده اند و در وقت بگرم بود از كاهي بزرگ
 و اندازان در وقت بستر كنج كاهي بغير حيله نموده اند و در وقت بگرم بود از كاهي بزرگ
 و اندازان در وقت بستر كنج كاهي بغير حيله نموده اند و در وقت بگرم بود از كاهي بزرگ

آنان را نشتر آب كنده با صبر
 در وقت بستر كنج كاهي بغير حيله نموده اند و در وقت بگرم بود از كاهي بزرگ
 و اندازان در وقت بستر كنج كاهي بغير حيله نموده اند و در وقت بگرم بود از كاهي بزرگ

آنان را نشتر آب كنده با صبر
 در وقت بستر كنج كاهي بغير حيله نموده اند و در وقت بگرم بود از كاهي بزرگ
 و اندازان در وقت بستر كنج كاهي بغير حيله نموده اند و در وقت بگرم بود از كاهي بزرگ

۲۸۲، ۰

(مطهر) کلمه ای است که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۱- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۲- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۳- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۴- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۵- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۶- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۷- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۸- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۹- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...
 ۱۰- کلمه ای که در حدیث آمده است که هر که آن را بخواند ...

عزیزانم سلام! روزتان را میبوسم. نمی دانم چقدر از ماجراهایی که در این مدت بر سر من رفتند است خبر دارید. بطور خیلی خلاصه، فهرست برخی از مطالب را تا آنجا که در سطح محدود کاغذ اجازه دهد بدون هیچ مقدمه و با حذف بسیاری از مسائل در اینجا میآورم.

۱ - دستگیری من کاملا اتفاقی و توسط فرد تحریک شده ای صورت گرفت که در دوران مخفی جانشین مغازه او ما یک مخفی گاه داشتیم و او بعد از طرف عناصر سپاه و حزب الهی ها فهمیده بود که یکی از افراد آنجا من بوده ام. محمد آقا نامی که در پاساژ سرچشمه خیاطی دارد و توسط شاهپور که دوست او بود و در ضمن از مخفی گاه ما مطلع بود در جریان قرار گرفته بود است.

۲ - بعد از دستگیری و تحویل به کمیته مرکز و بردن چشم بسته بیک نقطه مجهول و تهدید و نا سزای بسیار و ایجاد یک مراسم اعدام و ... به انفرادی قصر منتقل شدم.

۳ - فکر میکنم در این مدت مرا پیش محمد غرضی برده بودند که شناسائی کند و بعد از ده روز به انفرادی های اوین منتقل شدم. باز هم بوضع خشونت بار و توأم با آزار شدید.

۴ - آخر شب ۲۶ تیر ماه بیک خانه مخفی برده شدم. کچوئی مرا تحویل کسی داد که مدتها بعد فهمیدم اصغر صباغیان است و او در آن خانه مخفی بطور مشخص اما ظاهرا مخفی رهبری بازجوئی از من را بعهده داشت.

در زندان خصوصی آن خانه که یکی از خانه های امن ساواک یا مال طاغوتی ها بود در شرایط بسیار سخت و توأم با فشارهای گوناگون ۳ بار بازجوئی شدم که به هیچیک از سئوالات مربوط به فعالیت انقلابی گذشته خودم و تشکیلات پاسخی ندادم زیرا بدلائل گوناگون و از جمله بدلیل ماهیت سیاسی موضوع مورد تحقیق آنها که چنین تحقیقی در صلاحیت آنها نبود.

۶ - در این مدت دو بار هادی شخصا به ملاقات آمد. او شخصا فریب بسیار سادی است (از نظر سیاسی) و علیرغم ثمالی اش دقیقا در اختیار باند سوء استفاده گرانی که احاطه اش کرده بودند قرار داشت یکی از رهوس این باند اصغر و محمد عرضی بودند که بعد از آمدن قدوسی اوت شدند.

۷ - هدف شدید همه آنها طبیعتا سه موضوع بود. الف - کسب اطلاعات از سازمانهای انقلابی چپ. ب - بدست آوردن زمینه و مدرک برای تبلیغ علیه مجاهدین مخصوصا در محظور قرار دادن مسر که یا باید از خود م و از گذشته تشکیلات در زمینه تغییر و تحول ایدئولوژیک دفاع کنم که خود مستقیما حاوی حملات و انتقادات وسیع ایدئولوژیک علیه مجاهدین میبود و یا اینکه سکوت کرده و کاملا محکوم گردم. ج - انتقام جوئی و کسب مدرک.

۸ - این سه هدف هنوز هم یا شدت بیشتر علیرغم تعویض گروهی که من در اختیار هستم بقوت خود باقی است.

۹ - گروهی که اخیرا من در اختیار هستم اساسا وابسته به حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی هستند و جالب است که زمان هادی هم با تحویل من به اصغر موافق نبودند.

۱۰ - در ۲ شهریور به زندان مخفی دیگری که البته بعدا علیرغم همه احتیاطات آنها فهمیدم یکبار از پادگانهای لویزان است منتقل شدم.

۱۱ - یک بار دیگر در آنجا بازجوئی شدم و باز هم در جواب صلاحیت را مفضل زد کردم.

۱۲ - در این زندان فروکیف خود فروخته و بسیار خطرناکی را بدون اینکه من او و هویت اصلی اش را بشناسم ما مور کردند که از من اطلاعات کسب کند. نام اصلی او همان احمد رضا کریمی فرد بسیار کیف و خائن خود فروخته و معروف اما بسیار با استعداد و مطلع از گذشته سازمانها بود. به من او را بنام احمدی عنصر دادستانی و پاسدار انقلاب معرفی کردند.

۱۳ - آنها با او همکاری م کردند و یا بعبارت دیگر همان استفاده می را که ساواک از او میکرد حالا اینها میگردند. پرونده ها را در اختیار او میگذارند و او با توجه به شناسائی های قبلی اش که در جریان کار با ساواک بدست آورده بود برای آنها گزارش تهیه میکرد.

۱۴ - حتی به احتمال زیاد در بازجوئی هیئت تحویره آیندگان نیز شرکت داشته است (بدون آنکه آنها بفهمند).

۱۵ - او چهره انقلابی و مخالف دستگاه بخود میگرفت و گلی ۴/۵ ماه انواع شکرها را بکار برد و عاقبت با روشن شدن دستش بعنوان شکجه گروانی مشغول بکار شد.

۲۸۳، ۵

- ۱۶ - در همین مدت کسان دیگری با ملاقاتهای رسمی و غیر رسمی با انواع تهیدیدات به شکنجه روانی می پرداختند از جمله این افراد کسی است بنام طارمی که بعداً فرمانده سپاه پاسداران قم شد . او هم با اضافه فردی بنام مستعار سعید دریاند فرضی و اضغر صباغیان بودند .
- ۱۷ - در مدت این ۵/ ۷ ماه از دادن حتی يك ربع هواخوری محروم بودم . در آن خانه مخفی و یاد رسیا هچال هائی که بودم حتی تشخیص روز از شب امکان پذیر نبود .
- ۱۸ - در آن زندان قدوسی یکبار مدت کوتاهی با من ملاقات کرد و گفت به مصلحت تان نیست که در دادگاه صلاحیت را رد کنید .
- ۱۹ - در این مدت بلحاظ پیش آمد های حساس در جامعه مثل انتخابات مجلس خبرگان یا بحران اواخر مرداد ماه آنها قصد داشتند این موضوع را در آن بچیوچه به دادگاه آورده و استفاده لازم را بکنند ، اما هر بار بدلیلی امکان پذیر نشد . البته مقصودت خود من تا کتون نقش اساسی در این جریان داشته است .
- ۲۰ - در شب ۱۰ بهمن به انفرادیهای اوین منتقل شدم . الان نیز در انفرادیهای قدیم همانجا که در سال ۵۰ زندان بودم منتهی يك سلول دیگرش حبس هستم .
- ۲۱ - بموازات تشدید مبارزه طبقاتی و ایدئولوژیکی در جامعه بخصوص تشدید کینه واقعا عجیب گروههای حاکم علیه مجاهدین و چپی ها ، فشار ^{بسیار} بزرگ من هم زیاد شده و توطئه آنها برای پرونده سازی علیه من مخصوصا که با فقدان هر گونه نقطه ضعف علیه شخص من روبرو شده اند گسترش می یابد .
- ۲۲ - بعد از همکاری شرم آور آنها با احمد رضا کریمی که هنوز نیز در خدمت آنها ست و حتی دستهای هم پیشنهاد کرده بودند او را به کردستان برای بازجویی ببرند با امر شرم آور دیگری هم در اینجا روبرو شدم .
- ۲۳ - اضغر میرزا جعفر علاف کسی که در سال ۵۶ خود ش را به پلیس معرفی کرد در اول سال ۵۷ (اگر تاریخ را اشتباه نکنم) طی يك مصاحبه فرمایشی انواع محش هارا نثار انقلابیون کرد در اینجا همراه کچوی (و با يك ضبط صوت مخفی در حسیب کچوی که در آخر آنرا کشف کردم) شروع به بازجویی و توهین و سؤال از من کرد .
- ۲۴ - از انواع تهیمت ها و دروغهای شاخه از را که حتی يك ساواکی نیز حاضر به طرح آنها علیه من در تبلیغات خود نبود (بدلیل اینکه بیشتر خودشان را رسوا میکرد) مطرح کرد . از جمله اینکه مثلا ما سه نفر رفقای شهید خودمان را در میدان مشیره به پلیس لو داده بودیم !! و چنین اراجیف .
- ۲۵ - آنها در آستانه انتخابات باز هم قصد داشتند این موضوع را علم کنند که نتوانستند .
- ۲۶ - چاپ حساب شده نامه شریف واقفی ، دادن اعلامیه مغرضانه در آستانه نام بردن از تشکیلات به آن طرز مسئله را طرح کرده بود . گروههای که پشت این قضیه کار میکنند شروع به راه انداختن ختن خانواده شهدائی که از طرز شهادت و زندان شان خیرند دارند کرده اند که بیا پند و علیه من شکایت کنند . از جمله مثلا يك نمونه مسخره آن خانواده مرتضی خاموشی است ، یا خانواده حسنان که دقیقا آنها را متقاعد کرده اند که بیا بید شکایت کنند . یا مثلا درباره شهادت SHZ بشدت مشغول پرونده سازی هستند .
- ۲۷ - مثلا اعلامیه ای چاپ کرده بودند تحت عنوان سازمان پیکار را بشناسید و با اصطلاح افشاگری علیه من که صرف نظر از دروغهای آشکار آن از جمله اینکه فرار من را ساواک ترتیب داده بود !! که این اعلامیه را اولاً من اتفاق اصلش و بسته بزرگی از آنرا در دفتر زندان مخفی دیدم (برای معاینه پزشکی در يك وضع اورژانس بد فتر برده بودند) و جالب عکس من بود بر روی آن . این عکس منحصر بفردی است که ساواک در سال ۵۰ در اتاق حسینی از من گرفت و واضح است که تنها می توانست در آرشیوه ساواک باشد .
- آرشیوی که اینک تمام و کمال در سلطنت آباد و در نزد سپاه پاسداران ، آقایان منصوری بشارتی حاج محسن رفیق دوست (.....) است !! و از اینجا منشا این تبلیغات کاملا معلوم میشود یا تبلیغاتی که در روزنامه خود سپاه علیه من راه انداختند که البته شنیده ام و ندیده ام ولی جالب است که آنها از یکطرف زندانیان و از طرف دیگر بازجو و قاضی تحقیق و از طرف دیگر رقیب سیاسی ایدئولوژیک و من هستند !!
- ۲۸ - آخرین توطئه قضیه کاملا دروغ دستگیری کمالی است . کیهان در روزهای آخر صفحه اول نوشت که کمالی سر بازجوی معروف دستگیر شد . در حالیکه او در آذرماه دستگیر شده و تمام افراد بند ۱ این را میداند . در این مدت روزانه یکساعت عزت شاهی و دیگران او را آماده کرده اند که برنامه ها مانند پر -

۲۸۴ / ۵

نامه تهرانی علیه نیروهای انقلابی مخصوصا مجاهدین و مخصوصا در رابطه با قضیه تشکیلات ما اجرا کند . به نحو خبر هم اگر دقت کنید بر رابطه کمالی (که اسم اصلی اش کمانگراست) با مجاهدین به عنوان شکجه گر آنها که طبیعتا اطلاعات زیادی از آنها دارد تا کید داشت . و اما کارهایی که شما باید انجام بد هید که البته بسیار کم و ناچیز بوده اولاً ، نیروهای انقلابی به عمق توطئه پی برزند ، خودشان مسلماً خواهند فهمید چه بکنند . اما علاوه بر چاپ اعلامیه و افشای این قضایا و تاکید بر سوابق انقلابی من و تشکیلات تصریح و تاکید بر عدم صلاحیت دادگاه انقلاب و مخصوصا سوء استفاده گروههای سیاسی ذی نفوذ در دستگاه قضائی لازم است چند نفر از رفقای آگاه و وارد اساسا يك ستاد برای برخورد فوری و وسیع با تبلیغات و سائل مربوط به این قضایا تشکیل دهند . مثلاً بلافاصله بعد از نوشتن يك خبر در روز نامه از طرف گروهها یا خانواده یا وکیل جواب داده شود . ثانیاً گروههای مترقی که در این رابطه احساس مسئولیت میکنند می باید هرچه فوری تر ضمن تلگراف به دادستان کل و دادستان کل انقلاب اولاً به فشارها و شکجهها و نقض ابتدائی ترین حقوق من اعتراض نموده و خواستار ملاقات هیأتی از کانون وکلا از وضعیت من در زندان و علت ۹ ماه انفرادی من شوند . ثانیاً شدیداً این موضوع را افشاء کنند که دو تن از عناصر خود فروخته ساواک (احمد رضا کریمی و اضغر میرزا جعفر عراف) به بازجویی و شکجه من پرداخته اند . آقای وکیل و خانواده هم شدیداً روی این موضوع پیشاپیش تبلیغ و اعتراض کرده و رونوشت تلگراف را به مطبوعات فرستاده سعی کنند در مطبوعات چاپ شود . موضوع برنامه سوء استفاده از کمالسی را بطور فوری و وسیع افشاء کرده و توطئه را خنثی کنید . آنها بشدت در صدد ایجاد جو تبلیغاتی در دادگاه هستند مخصوصاً با استفاده از آدمهای خود فروخته ای همچون اضغر که حاضر است هر دروغ و تهمت را علیه تشکیلات عنوان سازد . این موضوع را شدیداً تحت همان عنوان که چنین افراد فاسق و همکاران ساواک از من بازجویی کرده و به شکجه روانی و آزار و توهین من پرداخته اند و تمام آثار و جوانب آنرا افشاء کنید . خانواده نیز منتظر گروهها نمانده و با استفاده از تجربه آقای وکیل و همینطور رفقای وارد به امور مرتباً اعتراض نموده و سعی کنند با پی گیری و استفاده از عناصر مترقی در مطبوعات چاپ شود . مثلاً تلگرافی که خانواده برای قدوسی فرستاده بود در چند ماه پیش خیلی در شناخت قضیه از طرف قدوسی پموتربوده . بعد از انتخابات بسیار مناسب است که بدعوت گروههای مترقی و در اعتراض به توطئه ها و همچنین فشارها و شکجه روانی و برای درخواست صدور رای عدم صلاحیت جمعی در مقابل دادستان ارتش صورت گیرد . مخصوصاً که مطابق برخی اطلاعات آنها متقلاً بلا قصد دارند يك راه پیمائی گداره و در بحبویه آن قضیه را در دادگاه مطرح سازند . بهر حال تمام نیروهای انقلابی باید درقبال این قضیه احساس مسئولیت کنند . مخصوصاً مجاهدین باید بسیار هشیار باشند که در یسک کلام اینها به خون آنها تشنه اند (بارها از من خواسته اند و حتی این اواخر التماس که اگر ممکن است چیزهایی درباره مسعود و . . . برایشان بنویسم !) که يك موضع عاقلانه و انقلابی گرفته و شدیداً و پیشاپیش در افشاء توطئه با نیروهای چپ همکاری کنند .

موفق و پیروز باشید اول فروردین

۲۶ - آنها از اینکه بتوانند با این قبیل فشارها و آزارها و تشکجههای روانی که هر نیم ساعت یکبار جوخه اندام و . . . را بر ایم مجسم کنند مرا نرم کرده و با اصطلاح عملاً در مقابل مجاهدین خلق قرار دهند نا امید شده اند بنابراین . با توجه به اینکه واقعا تمام سوابق و پرونده قطورم در ساواک و در ادسی ارتش اقتضار آمیز و حاکی از يك مبارزه آشتی ناپذیر طولانی است در صدد براه انداختن تبلیغات دروغ و تحریف آمیز و این نوع پرونده سازی شده اند .

توضیح :

این نامه با خط بسیار ریز از زندان فرستاده شده و لذا در بعضی از جاها کلمه ای خوانده نشده که با چند نقطه مشخص شده است . در ضمن شماره ۲۶ در اصل نامه هم تکرار آمده است .

۲۸۵ / ۱۰

۱ - نمی دانم چقدر از محمد یزدانیان خبر دارید . ولی از قرار او را ابتدا در جریان پخش
اعلامیه دستگیر میکنند و بعد هویتش را احراز کرده و تحت بازجویی داخلی به محبوسه و همان داستانی
کذائی ای که برای مجتبی جور کرده بودند قرار میدهند . باضافه اینکه راجع به من و همینطور SHZ و یکی
دو اسم دیگر که نفهمیدم کیست ولی از قرار معلوم از بچه های شهید ما باید باشند که من فامیل
حقیقی شان را نمی دانم پرسیده بودند که او اظهار بی اطلاعی کرده بود . جالب است که آنها هیچ -
وقت مجال نکرده اند راجع به این قضایا از من سؤال کنی بکنند که من از همان ب بسم الله صلاحیتش
را رد کرده ام . هر چند که بطور شفاهی در جریان تهدیدات بارها عنوان نموده اند . عزت شاهی هم
آمده با او بحث کرده . او همین چند روز پیش در عمومی اوین بند ۲ بود . اخیرا در رابطه با تبلیغ
انتخاباتی به انفرادی های بالا آورده اند که من خبر شدم .

۲ - خبردار شده ام که دنبال کاظم هستند و از حرفهای اصغر (خسرو) کاملا معلوم بود . همین
طور معلوم بود دنبال افراد دیگری نیز هستند و کلا سعی شان بر اینست که مستقیما از اعضا و تشکیلات
گیر آورده و برای محاکمه آماده نمایند .

۳ - واضح است که در صورت تشکیل دادگاه من اولاً صلاحیت را هم در شکل حقوقی و هم در شکل
سیاسی و غیره رد خواهم کرد و سپس اگر صلاحیت را تأیید کردند دفاع سیاسی - ایدئولوژیک خواهم
نمود . البته با احتراز کامل از دامن که آنها پهن کرده اند . یعنی تبدیل دادگاه به تریبون بر علیه
مجاهدین و چپ . البته تا آنجا که در طاقتم باشد . مخصوصاً در رابطه با مجاهدین مجبورم کاملاً
از حقوق خود و همیتطور افاده حق مطلب خود باری کنم . چون تشریح خیلی از قضایا به تشریح علل
تحول ایدئولوژیک منجر میشود . بهرحال من کاملاً به حساس بودن مرزهای وظایف واقفم . متقابلاً
مجاهدین نیز باید بطور صریح و فوری صلاحیت دادگاه انقلاب را رد کنند . بهر صورت من مصمم به دفاع
سیاسی ایدئولوژیک هستم . اما متأسفانه بدلیل دور بودن از محیط و اخبار و اوضاع بیرون مطمئن نیستم
که بتوانم موضوعات اساسی را بدرستی انتخاب کنم . با توجه به اینکه اولاً از مناسبات و روابط گروههای
چپ و تعادل نیروها - جو بیرون - مسائل مبتلابه اساسی ، مسئله ملیت ها تقریباً بطور کامل بی اطلاع
هستم . بعدتی است فقط کیهان را میدهند . (.....) خبر بوده ام . دیگر اینکه اساساً از موضوعات
اتهامی و محتوای کیفرخواست بی اطلاع هستم و نمیدانم آنها چه آش پخته اند چون بهرحال دفاعیات
نمی تواند بی ارتباط با این اتهامات نباشد . بطور خلاصه دستم نیست که بدور از هر گونه چپ روی و یا
راست روی چگونه می توان عمل کرد بهمین دلیل بسیار مناسب است که ضمن تشریح یک سلسله (.....)
راجع به کیفیت دفاعیات لحن آن و ... (با توجه به جو بیرون و ضرورتهای جنبش) مطالب مناسبی
نیز تهیه کنند که من بتوانم در دفاعیات از آن استفاده نمایم . مخصوصاً که هیچگونه کتاب یا نوشته نیز
در اختیارم نیست . این مطالب را می توانند بنحوی مقتضی آماده و جاسازی نموده از طریق خانواده و
حداقل در خود دادگاه بدست من برسانید . (چون بعید است که به من تا دادگاه ملاقات حضوری
و یا حتی غیر حضوری بدهند . یک خیرحاکمی بوده است که دادگاه من و محمد یزدانیان را ممکن است
مشترک بگذارند . استخوان بندی دفاعیات که فعلاً در ذهنم در حال شکل گیری است به این ترتیب
است که ابتدا صلاحیت دادگاه را با توجه به ماهیت سیاسی تشکیلاتی مسئله و خیلی مسائل دیگر رد
کرده و ضمن آن به فشارها و شکنجه های روانی اشاره نموده و افشاگرانه در این زمینه بعمل آورم .
در ماهیت مسئله نیز تا همین حد اثبات عدم صلاحیت جلو خواهم رفت . یعنی اینکه چگونه آنها بعنوان
یک اقلیت بسیار بسیار کوچک در داخل تشکیلات جبرانی را به ما تحمیل کردند که بچنین نتیجه ای منجر
شد . البته در اینجا نشان خواهم داد که ماهیت تبلیغات درباره واقعی چیست و چگونه ارتجاع پیشت
سر این موضوع سنگر گرفته و از مجاهدین دعوت میکنم که اسیر تبلیغات نشده و واقعا قضیه را مورد بررسی
دقیق قرار داده و این پرده اوهم و دروغ و سوء استفاده را پاره کنند و اجازه ندهند که ارتجاع کسب را
سمبل این سازمان بکند که دارای چنین ماهیت و عملکردی بوده است . و بعداً اگر صلاحیت را دادگاه
قبول کرد آنگاه باید اساس صحبت را روی این موضوع گذارد که این چه سیستم و چه دستگاه و چه نیروی
است که بنام انقلاب انقلابیون را به محاکمه می کشاند و برای این موضوع ناچار باید تحلیلی از انقلاب و
نیروهای متشکله آن بعمل آورد و نیروهای واپس گرائی را که در آن نفوذ نموده و مانع از تعمیق انقلاب
و حاکمیت زحمتکشان و ادامه سلطه امپریالیسم ... میشوند افشانم . و در این جریان طبیعتاً نقدی

از عملکرد دولت و شورای انقلاب باید بعمل آید از موضع طبقه کارگر و منافع و مصالح زحمتکشان البته آنها را نیز بخوبی این موضوع را که من در دادگاه ساکت نخواهم نشست میدانند و از این موضوع نیز بسیار وحشت دارند و بارها میگویند که خیلی کله شق و یک دنده هستم . بهمین دلیل بعید می دانم که متصل یک دادگاه علنی و بدون سانسور را داشته باشند . ثانیاً حتماً میدانم که با طرح اتهامات دروغین آوردن عده‌های حزب الهی و همچنین عده‌های از خانواده شهدائی که توانسته اند اغفالشان کنند دادگاه و صحنه سازی و شهید نمائی را طوری سازمان بدهند که مانع از بیانات آزادانه من بشوند . البته وکیل و پافشاری برای داشتن آن و در جریان پرونده قرار گرفتن آن بسیار مهم است و رفقا نیز از همین اکنون اولاً به فکر تهیه مدارک لازم در رد اتهامات آنها باشند و هم در فکر اینکه چگونه می توانند با فرستادن شاهد و ضمن بیان نامه‌های رسمی توطئه ها و دروغهای آنان را افشاء سازند . خبر جالب توجه اینست که بعد از عفو امام گروه از سرمایه داران و گردن کلفت های رژیم سابق آزاد میشوند در حالی که مدتی است مرتباً از کارگران و روشنفکران و گروه‌های اعتراضی دستگیر میکنند . واضح است که طبقه حاکمه دارد بسمت سازش با دشمنان به پیش میرود .

www.iran-archive.com

۲۸۷/۱۰

چون مردم را که در آن زمانه در آن کوهها جمع کرده و کشتی آنها را با هم
 گردانیدم و کفایتی بود که در آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها
 در ای دور است. با این که در آن کوهها نظم نداشتند و برای آنکه از آنجا دور آید
 یکبارگی هر کس بقدر که میخواستند میبردند. و در آن کوهها مردم میبردند و تمام مردم
 آن کوهها را که در آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها
 نصیبی که ما در آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها
 جمع شد و البته هرگز جرایب نیافت. و این است که از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 کند و هر کس با این کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها
 آسمان نشین است اما عیب ندارد. با این که در آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 و در آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 مقدس و خیمه را به هم بردند و هر کس در آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 به در کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 هم از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 نگریستند که او در آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 من اگر هم بگویم که در آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 تا در کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 که در کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 هر کس در کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 یعنی آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 ستم با کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 است که تا خنده فراری که نمی آید و همیشه آید. البته این دلجم از این
 صفت است که در کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 بر صفتش را فرود آمدیم. و این کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید
 در کوهها کشته و نه از آنجا دور آید و قدری از آن کوهها کشته و نه از آنجا دور آید

عزیزانم، سلامهای مرا بر ایند برید. روی همین روزان را می پرسم در استان سوادسی سیرودی
 تعدادت و با پاری نامم و متبری را از روی گنم. این صید قطراته بر سبیل یک نام کله تهران
 عدد است کورتا چی در تنهای کرانه نشانی از خط سینه دند از اجاسر و فکره بیام من در شسته
 تلمی تکبید. نشانی از انقباض هنوز زنده است (کوکنسی فرو می رود و باز می آید. عرضید (نه تمدید است
 تا آنکه شرح دست! فی الواقع امروز یا زرم فرود آمد دست وارد در از دهان ماهی شد ام
 همین ای وضعیت کاتر آشنا بر من می گذرد و این لای صطوطی است از این طریق که در استان
 از خاکستری
 صا مد رسید. بیدارم.

رضیه صفت افیه ~~...~~ به یاد داشت کورتا ~~...~~ در دستای این در بر طبق بر کون آب یاد داشت
 آوی به خط کاتر اتنا صریح بجز بود - ۲۰۸ - (بتم رسید) می آیند در محل حرکت از آن

تا چه اندازه برایم خوشحال گشته. بر آنه ~~...~~ صحنه حرکت بدل م بود. عرضید در اینجا چند لایستی
 بر دل است. چون است جای فرج در شرف است بود تهران به صرفت کله صفا در قلمت
 ایند خصوص (الله) صبح آن کینه خاصه سری بزنند و صغری هم تیر بسته حمل با دست
 در صدمه ترا آمد. ای و البته تا هم کینه آنگاه طاعت دادند. عرضید (ای صفر
 در وقت رسیدن زده در سخت. در طبعت تا برای ~~...~~ طبع و عمل این و سرارد و کربا در طریقی
 عرضی و تقاضای قبول و در بر تری و در دست کانونه خودی را عطا با زردی ~~...~~

در آن زمان طبع به حال تمام. وضعیت صدمه ام. دست بر فک و صفت از صفت خودا (نبرد دست
 سفر ~~...~~ و در دست و سده لطفه ~~...~~ کلمه امر امر) می کنند با ضامن سر نیمه و حالت به صفتی در آنم
 تا اند مدت از صفتی از لای علی (نار لای بیستم چون به حال بندیم صفت این کالبد را دل
 صفتی از کورتا
 این ماههای به ماه فوریت و تا آنجا سر به بند داشته است از و غیره صفتی از کورتا و کورتا
 آدمی شود عیبی است. و آن در زرد زده بیشتر به نبرد عظیم و در تنه ای در آن می سر در کلمه
 برای تقابل به صفت و صابزه به صفت خود دارد و می سی برام. عیبی از آنم کلمه در است و هرگز متران

۲۹۷
الله اعلم بحال کتباته و ما یفعل به فی حقیقتها و فی کتبها
شما که کتبش در همه اصناف است و در کتبش هم در هر یک از این اصناف
که منظر یک کتب است و میوه سوغات و کتب (م) از بیخ این لفظی ندرت
موتی را بهتر بدانید! با ضامن و بجز آن که (الله صلی الله علیه و آله) چون آنگاه در آن

در همه کتب کبریه و کتب کبیره که هر دو در کتبش واقع کرده اند (کارهای بر دستهای کرم به هم)
فراستون فروری را در هر دو کتبش (م) در کتبش کتب کبیره و کتب کبیره در آن
برای هر کتب که در هر کتبش است

و در این کتب را در هر کتبش که در هر کتبش است و در هر کتبش که در هر کتبش است
که در هر کتبش که در هر کتبش است و در هر کتبش که در هر کتبش است

ز (۱۸) ادین - کتب ۲۰۹
کتاب که از کتب و کتب و کتب است و در هر کتبش که در هر کتبش است
در هر کتبش که در هر کتبش است و در هر کتبش که در هر کتبش است
در هر کتبش که در هر کتبش است و در هر کتبش که در هر کتبش است

کتاب که در هر کتبش که در هر کتبش است و در هر کتبش که در هر کتبش است
کتاب که در هر کتبش که در هر کتبش است و در هر کتبش که در هر کتبش است
کتاب که در هر کتبش که در هر کتبش است و در هر کتبش که در هر کتبش است
کتاب که در هر کتبش که در هر کتبش است و در هر کتبش که در هر کتبش است

۹۹۳۱۶

۲۹۸,۰

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or treatise, covering the majority of the page. The text is densely packed and includes several large, decorative initial letters (possibly 'O' or 'A') marking the beginning of sections.



The right side of the page features a vertical column of geometric diagrams. These include various polygons such as squares, rectangles, and triangles, some with internal lines or circles. There are also circular diagrams and lines connecting different points, suggesting a study of geometry or optics. The diagrams are drawn with fine lines and some shading to indicate depth or perspective.

۲۹۱۵

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the majority of the page. The text is densely packed and appears to be a historical or administrative document. The script is highly stylized and difficult to decipher without specialized knowledge. There are several lines of text that are more prominent than others, possibly indicating a title or a key section. The overall appearance is that of an aged, weathered manuscript page.

ک ۳۰۱ / جناب آقای قدری دادگاه کل دادگاههای انجمن آسبی

حاضر در محضر مستشاران و آقایان دکتران و آقایان رضا سنجی تراد
و دکترهای اصحابی زاده به صفت انجمن آسبی شناسانده اند تا با انجمن آسبی

قوی تر قوت مانده مربوط - وظیفه ای است که مخصوص در طی این صفت
بهره ها درها قضاوت نماید - آنکه در این لحظه در هر صورت است

انجمن تا حدود صبح ۱۲ در تیرماه نیز اسید استم در آن بود و آقایان در وقت
با دکترهای اصحاب و سایر آقایان با اقوال انجام کردند. برادرها و سایر

دوای آسبی در این عمل مردم قبول آنجا در آن روزها شدیم
در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت

در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت
در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت

در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت
در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت

در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت
در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت

در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت
در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت

در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت
در این صفت در وقت که با این در صفت و با در صفت در صفت

موازین حق و کفایت و قانون می برانند و بهای است و در مورد تصرف و ...
 در وی یک نشانی است که در صورتی که در روز سه شنبه ۱۳۰۳
 در ... و ... در ... و ... در ...
 به ل ... و ... و ... و ... و ...
 اندک ... و ... و ... و ...
 صد ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...

... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...
 ... و ... و ... و ...

جناب آقای معادیخواه حاکم محترم شرع :

برخلاف نظر موافق شما مبنی بر قبول حضور وکلای اینجانب در دادگاه که اتفاقا دلیل به تعویق افتادن تاریخ شروع دادگاه بمدت یک هفته نیز بخاطر انجام تشریفات قانونی مربوط به این امر بود تا این لحظه تا حدود ظهر روز د و شنبه بیست و سه تیرماه علیرغم امید و انتظار طولانی مدت اینجانب هیچگونه اقدامی جهت طی تشریفات قانونی مربوط به وظائف آقایان وکلای صورت نپذیرفته است . علیهذا ضمن آنکه اعتراض شدید خود را از اینهمه فشار و زجر که در طنی یکسال اخیر حبس در سلولهای انفرادی زندانهای مختلف بر من روا داشته شده است به عرض جناب عالی میرسانم ، از جمله جنگ اعصاب و فشار روانی بزرگی که در همین مدت بخاطر عدم رعایت حقوق قانونی اینجانب در دادگاه و ... تحمیل گردیده است ، رونوشت نامه ای که خطاب به جناب آقای دادستان کل مبنی بر توضیح علل معذوریت از شرکت در دادگاه نگاشته شده است برایتان ارسال میدارم .

بدیهی است مسئولیت کامل عدم تشکیل دادگاه و همینطور فشارهایی که بر اینجانب در این مدت وارد آمده است و همچنین معطلی و سرگردانی مردمی که احتمالا برای شرکت در این دادگاه شرکت نموده اند ، دقیقا و بطور مستقیم بعهده کسانی است که بهیچوجه حاضر به رعایت روشن ترین اصول قانونی و موازین حقوقی و ساده ترین حقوق یک متهم نیستند . من از شما بعنوان قاضی شرع درخواست می نمایم کسه قدرت و نفوذ قانونی خودتان را برای آنکه اجازه داده نشود دیگر بیش از این حقوق بدیهی و اولیه اینجانب تضییع گردد از جمله داشتن حق تعیین وکیل بکار گرفته و هر چه سریعتر موانع موجود بر سر راه تشکیل یک محکمه صالح را از میان بسر دارید .

ضمنا تقاضا میکنم دستور فرمائید متن نامه ای که به ضمیمه ارسال است برای اطلاع حضاری که در جلسه دادگاه شرکت میکنند خوانده شود .

با تقدیم احترام

تقی شهرام

۵۹/۴/۲۳

۳۰۰

جناب آقای قدوسی دادستان کل دادگاههای انقلاب اسلامی

همانطور که مستحضر هستید از ماهها پیش تا کنون وکلای اینجانب، آقایان رضامتین نژاد و دکتر هادی اسماعیل زاده به حضور آنجناب معرفی شده اند، اما با اینکه انجام هرچه فوری تر تشریفات قانونی مربوط به وظائف این آقایان بخصوص در طی دوسه هفته اخیر بارها و بارها تقاضا گردیده است، اما تا کنون و تا این لحظه که دیگر چند ساعت بیشتر به تشکیل دادگاه باقی نمانده است از موافقت با این درخواست محقانه خبری نیست. اینجانب تا امروز صبح ۲۳ تیر ماه نیز امید داشتم که شاید در آخرین فرصت موافقت بسا وکلای اینجانب و ملاقات با آنان بالاخره انجام گردد. چرا که هیچگاه بطور رسمی عدم موافقت با وکالت این آقایان به اینجانب اعلام نگشت تا در فرصت موجود وکیل یا وکلای دیگری که دارای علل عدم قبول آقایان فوق الذکر نباشند بمقامات مسئول قضائی معرفی گردد. با این توصیف و با دفع الوقت عجیبی که درین باره صورت گرفته است کاملاً معلوم میگردد که متأسفانه توجهی به این حقیقت که محروم نمودن اینجانب از حق تعیین وکیل درست بمنزله محروم نمودن از حق دفاع از خود در دادگاه می باشد صورت نمی گیرد.

بهر حال اینجانب با آنکه به کرات و بطور مستدل و به اتکاء به قانون اساسی اصل ۱۶۸ و آئین نامه دادگاههای انقلاب بند ۲ این آئین نامه و همچنین با تشریح ماهیت دقیقاً سیاسی موضوع مورد ادعا و عدم صلاحیت دادگاه انقلاب را که مختص رسیدگی به جرائم عناصر وابسته به رژیم گذشته و توطئه گران علیه انقلاب است در بررسی و قضاوت در باره این موضوع خاص اثبات نموده و از همان بدو دستگیری بشهادت نامه های ارسالی مضبوط در پرونده خواهان تشکیل هرچه فوری تریک دادگاه سیاسی با حضور هیئات منصفه و نمایندگان مردم و سازمانها و احزاب سیاسی ضد رژیم شاه بوده ام. یعنی تنها دادگاهی که منطبق بر موازین حق و عدالت و قانون می تواند و صالح است که در مورد اختلاف و برخورد درونی یک تشکیلات انقلابی که در سالها پیش در دوره مبارزه با رژیم شاه بوقوع پیوسته است رسیدگی و قضاوت نماید. با اینوصف واضح است که در صورتی که این حقیقت مورد قبول دستگاه قضائی انقلاب قرار نمی گرفت اینجانب بهیچوجه در شرکت در همان دادگاه انقلاب تردید نکرده و نخواهم کرد. اما حداقل به آن شرط که دیگر ساده ترین و ابتدائی ترین حقوق شناخته شده متهم دفاع از خود، آنهم در باره یک چنین مسئله ای که به حیات، تاریخ، و سابقه سیاسی یک تشکیلات انقلابی و حرمت و حقانیت خون صدها شهید این سازمان مربوط میگردد عبار - تست از برخورداری از حق تعیین وکیل، حقی که در آئین نامه دادگاههای انقلاب در بند هفت ماده چهار برسمیت شناخته شده و اصلی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر آن تصریح نموده و شخص آقای حاکم شرع همین دادگاه

نیز مستقیماً با آن موافقت نموده‌اند .

بنابراین اینجانب ناچار از بیان این واقعیت تلخ
هستم که علیرغم تمایل شدیدی که به روشن شدن هرچه سریعتر
حقیقت ماجرائی که اینطور مورد تحریف و تبلیغ سوء قرار
گرفته در محضر ملت هشیارایران دارم و علیرغم آنکه بخوبی
بی میدانم در یک دادگاه صالح که رعایت موازین قانونی
در آن بعمل آمده باشد چگونه پرده ابهام و فریب و غبار
تبلیغات و تحریفات معاندین از روی این ماجرا بکنار خواهد
رفت و مشت مفتریان تفرقه افکن باز خواهد شد و بعد در سست
به این خاطر که نقض قوانین حقوقی و عدم رعایت حقوق قا-
نونی اینجانب یکی از مهمترین راه‌هایی بوده است که
مخالفین سیاسی بدان وسیله از کشف حقیقت و روشن شدن اذ-
هان مردم جلوگیری بعمل می‌آورند بنابراین تا هنگامی که
تشریفات قانونی مربوط به قبول حداقل یکی از وکلای اینجانب
صورت نگیرد و یا بهر حال حق تعیین وکلای دیگری داده نشود از
شرکت در دادگاه معذور خواهم بود . بدیهی است در هر لحظه-
ای که مسئولین محترم قضاء موافقت خودشان را با این حق
اعلام نمایند اینجانب ۲۴ ساعت بعد از آن همراه با وکیل خود
آماده شرکت در دادگاه خواهم بود .

در پایان خواهشمندم دستور فرمائید متن این نامه
برای اطلاع مردم قهرمان و هشیار ایران در اختیار خبرنگاران
جراید و دیگر رسانه‌های گروهی قرار گیرد .

با تقدیم احترام

تقی شهرام

۵۹/۴/۲۳

۳۰۲/۱

هنگامی که برای قضاوت حکم می

صفحه شود

هنگامی که

ن ۴۰۳ برای مدت شش ماه از حال ملت در آن زمان

آنکه حکم شد شروع فرمایند و بعد از آنکه این حکم در میان مردم
پراکنده شود و مردم بدانند که این حکم است و در این وقت
برای مدت شش ماه در آنجا بمانند و در این مدت هیچ
کس از آنجا نماند و هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت
هیچ کس از آنجا نماند و هیچ کس از آنجا نماند

شده و هر کس از آنجا نماند و در این وقت هیچ کس
از آنجا نماند و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند
و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت
هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند

در این وقت هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت
هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند
و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت
هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند

در این وقت هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت
هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند
و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت
هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند

در این وقت هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت
هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند
و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت
هیچ کس از آنجا نماند و در این وقت هیچ کس از آنجا نماند

از نقش برده است نامه خدمت کمال اوراق کف حمله با وجود در تاریخ صحیح

۵۸

گفته اند که در این وقت در آنجا حضور داشتند و در آن وقت که به هر طرفی
پیش می رفتند در آن وقت که در آنجا حضور داشتند و در آن وقت که به هر طرفی
داوید و به این ترتیب در واقع با حضور ایشان در آنجا حضور
صالح با حق واقعی در این وجود باشد موافقت می نماید
صالح و در آن زمان که این بر سر آن است که در آن زمان که در آن
در آنجا خبر داده شود و در آن وقت که در آنجا حضور داشتند

بسم الله الرحمن الرحیم
ع

۵۹/۴/۲۳

www.iran-archive.com

۱۱

ملاحظات کوتاهی در باره اهمیت موضوع صلاحیت

دادگاه برای روشن شدن اذهان ملت قهرمان

ایران

آقای حاکم محترم شرع تقریباً بلافاصله بعد از آنکه اینجانب بحث مربوط به رد صلاحیت دادگاه را آغاز نمودم کلام من را قطع نمودند و با اعتراض اعلام کردند که تنها ده یا پانزده دقیقه بیشتر برای بحث پیرامون صلاحیت دادگاه وقت نخواهند داد و بعد در میان گفتگوئی که بوجود آمد گفتند که در زمان دفاع از اتهامات - یعنی آنگاه که دادگاه صلاحیت خود را تایید نموده و اینجانب موظف به ورود به ماهیت هستم حتی پیش از زمان قانونی ۱۵ ساعت وقت برای صحبت خواهند داد!

بدین ترتیب آقای حاکم محترم شرع موضوع پرداختن به مسئله صلاحیت را از موضوع دفاع از اتهامات شدیداً مجزا نمودند. اما این جدائی دقیقاً یک جدائی صوری و کاملاً غیر ماهوی بود. چرا؟ زیرا نه این دلیل ساده که نقش پر - داختن به موضوع عدم صلاحیت خود بالاترین دفاعی است که متهم می تواند باید هنگامی که فکرمیکند موضوع مورد ادعا به دادگاه غیر زیربطی احاله شده است بعمل آورد! در واقع قضات محترم این دادگاه باید پرسید چه دفاعی بالاتر از این می تواند برای اینجانب وجود داشته باشد که روشن نمایم که چگونه مسئله ای که بطور کامل و دقیق به اختلاف درونی یک تشکیلات انقلابی در زمان مبارزه با رژیم شاه مربوط میشود و دقیقاً یک موضوع سیاسی است که مطابق قانون اصل ۱۶۸ قانون اساسی حداکثر آید به دادگاه سیاسی دادگستری با حضور هیئت منصفه تشکیل میگردد احاله گردد در اینکه دادگاه جناحی آنهم دادگاه انقلاب اسلامی که مخصوص رسیدگی به اتهامات عناصر و وابستگان رژیم شاه است مورد بررسی قرار گیرد؟

اتفاقاً دفاع اساسی اینجانب در برابر کیفرخواست است بطور کلی - نه جزء به جزء - در همین قسمت است چه به مجرد اینکه مسئله از شکل اساسی آن خارج گردد و بخواهد با رای دادگاه شکل جناحی بخود بگیرد، البته وقتی صحبت از مسئله یا موضوعی مورد بحث و غیره می کنیم منظورم اساساً ماجرای اول سال ۴۵ و برخورد آقایان واقفی و لباف با تشکیلات است و نه موارد دیگر کیفرخواست که یا از بیخ و بن خلاف واقع و یک دروغ شاخدار بزرگ است و یا اینکه ماهیت و موضوع حقیقی آنچه که وجود داشته است، درست برعکس آن چیزی است که ادعا شده است مانند ده نفری که ده نفری که در آستانه تسلیم بازگشت ناپذیر خود به ساواک بوده اند، آنگاه واضح است و برای خود شما نیز با توجه به اوراق پر - ونده و بازجویی های اعضاء شهید ما در ساواک، بخوبی مشخص است که اینجانب سخنی که اساساً ارتباط شخصی با شخص خودم پیدا نماید نخواهم داشت چه همانطور باز همه مدارک

خود شما نیز بدان گواهی می‌دهد نه درین واقعه شرکت داشته ام و نه بدلیل قابل اثبات متعددی فرمانی برای انجام آن صادر نموده‌ام . بنابراین آنچه اینجانب را اساساً ملزم به پاسخگوئی میسازد از نقطه نظر مسئولیت سیاسی ای است که اینجانب بطورکلی و مانند هر عنصر مسئول دیگری در تشکیلات داشته‌ام و بدیهی است که نه در مورد حادثه فوق بلکه در مورد هر حادثه و پدیده ای که حتی ماهها بعد از وقوع آن اطلاع حاصل کنم ولی در درون تشکیلات ما و ارگانهای مختلف و تشکیلاتش رخ داده باشد بمجرد اطلاع ملزم به پاسخگوئی در باره آن به ملت ایران و قضات محکمه صالحه‌ای هستم که احیاناً برای رسیدگی و قضاوت در باره لازم به تشکیل باشد با این توصیف کاملاً معلوم می‌گردد که دفاع از خود اینجانب در برابر اتهامات بهیچوجه از دفاع از حقیقتی که بررسی بودن واقعه مورد بحث و بر عدم صلاحیت دادگاه انقلاب حکم میکند - هر چند بزعم و تصور خودم باشد - یعنی دفاع از نوعی اتهام ناگفته اما کاملاً معین و ملموس که خود بخود در احاله این دعوی به دادگاه انقلاب مستتر است جدا نبوده و نخواهد بود . بعبارت دیگر اثبات سیاسی بودن موضوع مورد ادعا و رد صلاحیت دادگاه حق مقدمی است برای اینجانب که نمی‌توانم از دفاع از آن صرف نظر و یا آنطور که آقای حاکم شرع فرمودند آنرا بدان شکل عجیب ناقصی ابرتر به انجام برسانم - دفاع در ۱۵ دقیقه . این حق است که دفاع از آن یک مرحله تفکیک ناپذیر از حق کلی دفاع در مقابل کیفرخواست دادگاه را تشکیل میدهد که جدا نمودن این حق مقدماتی و لازم و تفکیک ناپذیر از حق کلی دفاع در برابر ماهیت اتهامات کیفرخواست جز یک جدائی صوری و بیکی نازی بسیار ساده با الفاظ و عناوین هیچ چیز دیگر نیست درست بهمین دلیل است که اینجانب در همان فرصت بسیار کوتاه جلسه اول تاکید نمودم عمده بحث و صحبت من در قسمت صلاحیت دادگاه خواهد بود و درست بهمین دلیل است که در همان فرصت کوتاه اعلام کردم شمانه من بلکه یک تشکیلات انقلابی را دارید محاکمه میکنید و اضافه نمودم من در این دادگاه دفاعی از خودم ندارم بلکه دفاع من از سازمان است و دفاع من از خون صدها شهید این سازمان و هزاران مبارزی است که در زیر پرچم این سازمان و تعلیمات آن سالها در سخت‌ترین شرایط علیه دشمن غدار این مردم مبارزه کرده اند .

و روشن است که تمام اینها تنها میتوانست در همان قسمت صلاحیت مورد بحث و اثبات قرار گیرد . اما به مجرد اینکه دادگاه رای بر صلاحیت خویش صادر نماید ، یعنی عملاً بخواهید خلاف حق و عدالت موضوع را بصورتی حیاتی مورد بررسی قرار دهد بدیهی است که بدلیل خارج بوده از هرگونه مسئولیت که از یک دیدگاه جنائی قابل اهمیت و دلیل مجرد می‌باشد خود بخود در زمان دفاع از ماهیت ... حرفی جز توضیحات روشنگرانه بعنوان یک مطلع و بالاخره

افشای افترا ثات درونی که از سیخ و بن با واقعیت در تضاد بوده و متاسفانه به نحو عجیبی در کیفرخواست راه یافته ، نخوا- هم داشت . این درست معنای همان سخنی است که تاکید کردم . من شاید در قسمت دفاع از ماهیت کیفرخواست نیسم ساعت بیشتر لازم نداشته باشم . بهر حال این توضیح بسیار مختصری بود در باره اینکه چرا محدود نمودن دفاع اینجانب در قسمت صلاحیت دادگاه به مدت ۱۵ دقیقه عملا به معنای گرفتن حق دفاع از اینجانب است هر چند که ظاهرا آقای عضو حقوقدان دادگاه مرتبا وعده می دادند که در قسمت دفاع ما بیشتر از ۱۵ ساعت هم وقت می دهیم ا ا

و اما چند نکته حاشیه ای پیرامون همین مسئله :

نامه مفصلی در تاریخ آبان ماه ۵۸ در رد صلاحیت دادگاه خطاب جناب آقای دادستان کل نگاشته ام که مانند چند نامه مفصل دیگر در پرونده مضبوط بقط دونا مه مفصل و یک نامه کوتاه آنهم مربوط به دوره ۴/۵ ماهه ا ا دستگیری وجود دارد والبته اینهم مرود دیگری از نقائص پرونده است مانند حذف کامل اوراق یک بازجوئی در تاریخ ۲۷ تیرماه ۵۸ .

نکته دوم تقاضای مجدد اینجانب است از آقایان قضات دادگاه که چنانچه علیرغم مطالعه این نوشته همچنان بر همان وقت ۱۵ دقیقه ای برای بحث در باره صلاحیت اصرار دارید وبه این ترتیب در واقع با حضور اینجانب در دادگاه حضوری که همراه با حق واقعی دفاع از خود باشد موافقت نمی فر- مایند حداقل دسترو فرمائید این نوشته و یا نامه مقدماتی آن بعنوان قسمتی از یک دفاعیه ، مطابق قانون در دادگاه خوانده شود و متن آن در اختیار نمایندگان جراید قرار گیرد .

با تقدیم احترام

ثقی شهرام

۵۹, ۴, ۲۳

۳۰۵, ۵